



تاریخ	۱۷
فروردین	
۱۳۹۹	
یکشنبه	

پيامبر گرامي اسلام(ص):

آرزوی مرگ مکن، زیرا (با حضور در دنیا) اگر نیکوکار باشی بر نیکی های خود می افزایی و اگر گناهکار باشی مهلت می یابی و مورد رضایت خدا قرار می گیری، پس آرزوی مرگ نکند.

امالی طوسی، جلد ۱، صفحه ۳۹۵

ورزشی

صفحه

۷

شماره

۲۷۶۰

سال

بیست و ششم

استراماچونی یکی از بهترین مربیان خارجی استقلال بود که با مبلغ کمتر از ۶۰۰ هزار یورو در سال به نیمکت این تیم رسید. در ماه پایانی پاپیز ۱۳۹۸ و درحالی که ورزش ایران درگیر ماجرای استراماچونی بود در شمال غرب «مصطفی دزینی» سرمربی تیم فوتبال تراکتورسازی با یک توافق دوجانبه از تیم جدا شد و به ترکیه بازگشت. اکتون «گابریل کالدرون» بدون رقیب بود و نتایج خوبی پرسپولیس را به صدر جدول رساند.

ژانویه در راه بود و مربیان خارجی برای کریسمس به کشور خود رفتند. کالدرون نیز رفت و بازگشتی نیز در کار نبود. او نیز مانند استراماچونی بهانه‌اش پرداخت نشدن قرارداد بود. با رفتن او «یحیی گل محمدی» جانشین همبازی سابق «دیگو مارادونا» شد.

شاید هواداران فوتبال مردی به خاطر بیابورند که نزدیک به دو دهه پیش با شال کردن قرمز در ورزشگاه آزادی هواداران پرسپولیس را به وجد آورد. «وینگو بگویی». این مرد از فولاد به پرسپولیس آمد و با وجود آنکه تیمی پرستاره در اختیار داشت موفق نبود. او در ایران ماند و حدود ۲۰ سال با مردم زندگی کرد. بگویی فصل نوزدهم لیگ برتر را با گل گهر شروع کرد اما در میانه فصل اخراج شد. او ترجیح داد پس از ۲۰ سال از سرزمین پارس دل بکند و به کشورش بازگشت. اما در بین مربیان خارجی قرعه شانس به نام یک نفر افتاد. «دراگان اسکوچیچ» سرمربی نفت آبادان نه تنها از ایران کوچ نکرد بلکه از تیم میانه جدولی به سرمربیگری تیم ملی ایران رسید. انتخابی که شاید با انتقاد همراه بود اما دراگان ماند و اکتون سکاندار فوتبال ملی ایران است. در کنار اسکوچیچ در حال حاضر «میودراگ رادولویچ» سرمربی ذوب آهن و «میو کریستیچویچ» سرمربی شاهین بوشهر هنوز در ایران هستند.

خالی شدن فوتبال ایران از مربیان خارجی

در دو دوره متوالی حکم خروج خود را از ایران امضا کرد. کیروش رفت و کسی در بهمن ماه سال ۱۳۹۷ مایل به تمدید قرارداد او نبود. حتی شوک رسانه‌ای برنامه نود برای این مربی هم کارساز نشد. پس از کیروش سکان هدایت تیم ملی فوتبال ایران به «مارک ویلموتس» بلژیکی رسید مربی که به اندازه کیروش معروف نبود اما چند بازی تهاجمی در برابر کره جنوبی، سوریه، هنگ کنگ و کامبوج، نوید پوست اندازی را در تیم ملی داد. برخی امیدوار بودند سیستم دفاعی تیم ملی با حضور ستاره‌های بزرگی مانند جهانپخش و آزمون تهاجمی شود اما باخت تیم ملی فوتبال ایران تحت هدایت این مربی به دو تیم عراق و بحرین موجب شد تا برخی کارشناسان از انتقاد خود نسبت به سیستم کیروشی پشیمان شوند. البته این دو باخت موجب نشد تا ویلموتس خود را مقصر بداند بلکه با یک نگاه طلبکارانه قرارداد خود را فسخ کرد. او با شکایت پرونده را به فیفا فرستاد و به نظر می‌رسد که این مربی پول هنگفتی به خاطر شش ماه حضور در ایران دریافت کند.

با افشا شدن بخش از مبلغ قرارداد ویلموتس و نتیجه‌گیری این مربی، برخی از مربیان خارجی شاغل در لیگ اعتراض خود را به دستمزد شروع کردند. «آندره آ استراماچونی» که استقلال را از انتهای جدول به صدر رسانده بود به بهانه پرداخت نشدن قرارداد ایران را ترک کرد. هرچند که وزارت ورزش و امور خارجه پیگیری مطالبات او شدند اما سرمربی سابق اینترمیلان پس از دریافت پول رسماً با استقلال قطع همکاری کرد.

به گزارش ایرنا روند خروج مربیان خارجی از ایران که با تمدید نشدن قرارداد «کارلوس کیروش» پرتغالی در بهمن ۹۷ شروع شده بود با خروج کالدرون در دی ماه ۹۸ تکمیل شد.

در چند سال گذشته لیگ برتر و فوتبال ملی ایران عرصه قدرت‌نمایی مربیان بزرگی بود، مربیانی که در جهان فوتبال برای خود نام و نشانی داشتند. از «جان توشاک» ولزی و کاشف «رایان گیگز» تا «کارلوس کیروش» که ستارگان بزرگی مانند «لوئیس فیگو» و «کریستیانو رونالدو» را پرورش داده در ایران حضور پیدا کردند. برخی از این مربیان، حضور کوتاهی داشتند و برخی دیگر ماندگاری آنان در نیمکت فنی بیش از مربیان بومی بود. روند حضور این مربیان در یک سال گذشته به کمترین میزان ممکن رسیده و اکتون تنها سه مربی خارجی در فوتبال ایران حضور دارد.

اما داستان کوچ مربیان از فوتبال ایران از کجا شروع شد. «کارلوس کیروش» برای هواداران فوتبال ایران شناخته‌شده‌ترین چهره بین‌المللی فوتبال به شمار می‌رود. مربی که هم در بخش فنی و هم شیوه رفتار با هواداران یک حرفه‌ای به‌تمام معنا بود و با میکس حرفه‌ای گری و ادبیات پوپولیستی توانست هشت سال تمام روی نیمکت تیم ملی باشد. حضور در دو جام جهانی و کسب پنج امتیاز از دو تورنمنت برزیل و روسیه از مهم‌ترین افتخارات کارنامه او به شمار می‌رود. هرچند که هواداران بازی‌های تدافعی او در برابر ستاره‌های بزرگ و تیم‌های قدرتمند جهان را فراموش نخواهند کرد اما او در جام ملتها توانست از مرحله حذفی صعود کند و با شکست برابر عراق و ژاپن

لژیونر دوچرخه‌سواری: تلخ‌ترین اتفاق سال ۹۸ به دست نیابور دن سهمیه المپیک بود



مرتبه به‌عنوان عضوی از تیم ملی ایران در تور بین‌المللی چین شرکت کردم. در این رقابت‌ها مقام هشتم را به دست آوردم. موفقیت دیگرم کسب مجدد عنوان قهرمانی مسابقات دوچرخه‌سواری کشور بود. عضو تیم ملی دوچرخه‌سواری ایران اضافه کرد: بعد از آن لژیونر شدنم و قرارداد بستن با تیم کنتینانتال تیکا اسپانیا بهترین اتفاق دوچرخه‌سواری برای من بود. اولین زنی هستم که در دوچرخه‌سواری توانستم برای یک سال با تیم اروپایی قرارداد ببندم. وی یادآور شد: در حال حاضر خود را برای حضور در مسابقات اروپایی و رقابت با بهترین دوچرخه‌سواران دنیا آماده می‌کنم. از برنامه‌های سال ۹۹ ادامه شرکت در مسابقات بین‌المللی و تمرینات در اسپانیا است. در فروردین حضور در چهار مسابقه در اسپانیا در قالب تور بین‌المللی و مسابقات کاپ آسیا پیش‌بینی شده است که با توجه به شیوع ویروس کرونا به نظر می‌رسد که این پیکارها برگزار نشود. یزدانی در پاسخ ۱۰ ثانیه و چهارصدم ثانیه از خط پایان بگذرد. در این مسابقه ۶۴ ورزشکار حضور داشتند که در پایان نماینده ازبکستان که قهرمان مسابقات المپیک تابستانی ۲۰۱۶ شده بود، رتبه اول و رکاب‌زن تیم کره جنوبی نیز مقام دوم را به دست آورد. یزدانی در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا گفت: سال ۹۸ بهترین و موفقیت‌آمیزترین سال دوچرخه‌سواری من تا به الان محسوب می‌شود زیرا در ابتدای این سال موفق به کسب اولین مدال در تاریخ دوچرخه‌سواری جاده شدم. وی ادامه داد: بعد از این اتفاق برای نخستین

سمیه یزدانی نخستین لژیونر دوچرخه‌سواری ایران است که در مهر سال گذشته به تیم «کنتینانتال تیکا» اسپانیا پیوست و اکتون فعالیت‌های خود را در این کشور ادامه می‌دهد. وی پیش از این موفق به کسب مدال برنز در مسابقات جاده قهرمانی سال ۲۰۱۸ آسیا شده بود. او توانست با زمان سه دقیقه و ۱۰ ثانیه و چهارصدم ثانیه از خط پایان بگذرد. در این مسابقه ۶۴ ورزشکار حضور داشتند که در پایان نماینده ازبکستان که قهرمان مسابقات المپیک تابستانی ۲۰۱۶ شده بود، رتبه اول و رکاب‌زن تیم کره جنوبی نیز مقام دوم را به دست آورد. یزدانی در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا گفت: سال ۹۸ بهترین و موفقیت‌آمیزترین سال دوچرخه‌سواری من تا به الان محسوب می‌شود زیرا در ابتدای این سال موفق به کسب اولین مدال در تاریخ دوچرخه‌سواری جاده شدم. وی ادامه داد: بعد از این اتفاق برای نخستین

باشگاه‌های ورزشی کهگیلویه و بویراحمد تا ۳۱ فروردین تعطیل هستند

مدیرکل ورزش و جوانان کهگیلویه و بویراحمد گفت: باشگاه‌های ورزشی دولتی و خصوصی کشور و این استان برای قطع زنجیره انتقال بیماری کرونا ویروس تا ۳۱ فروردین ماه ۱۳۹۹ تعطیل هستند.


سید محمدتقی علوی در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا اظهار داشت: چنین تصمیمی از سوی مسئولان ستاد ملی مقابله با کرونا گرفته شده است.

وی افزود: این موضوع در قالب اطلاعیه شماره هشت ستاد ملی مقابله با کرونا به اداره کل



واداث

پایان فرار ۱۰ ماهه خواستگار جنایتکار کرمانی



پسر جوان که پس از شیدن جواب منفی از خانواده دختر موردعلاقه‌اش آنها را به ربکار بسته بود پس از ۱۰ ماه فرار از سوی پلیس دستگیر شد.

به گزارش گروه حوادث رکن، سجاد افشارمنش دادستان عمومی و انقلاب قلعه گنج با اعلام این خبر گفت: خرداد سال ۹۸ خبر قتل عام سه عضو یک خانواده در شهرستان قلعه گنج اعلام و بلافاصله تحقیقات برای بررسی این جنایت آغاز شد. نخستین تحقیقات نشان می‌داد که پدر، مادر و عمه این خانواده با شلیک گلوله کشته و دو نفر دیگر نیز زخمی شده‌اند. بدین ترتیب پرونده از سوی پلیس و دستگاه قضایی با قاطعیت تحت بررسی قرار گرفت. در ادامه مشخص شد عامل قتل پسر جوانی بوده که پس از شیدن جواب منفی مبنی بر ازدواج با دختر این خانواده و برخی اختلافات دیگر به‌صورت مسلحانه به خانه این دختر حمله کرده و در اقدامی هولناک این جنایت را رقم زده است.

وی ادامه داد: پس از این حادثه بلافاصله قاتل که یک جوان متولد سال ۱۳۷۱ بوده از محل جرم متواری شده بود و مصدومین به بیمارستان منتقل شدند که فقط دختر و پسر خانواده از مرگ نجات یافتند. پس از این حادثه هولناک دادستانی قلعه گنج به موضوع ورود کرد و دستورات قضایی لازم برای شناسایی و دستگیری متهم صادر شد و متهم در چندین استان کشور ازجمله کرمانشاه و هرمزگان متواری بود که در نهایت طی یکسری اقدامات فنی از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی چند روز قبل در قلعه گنج بازداشت شد.

به گزارش روابط عمومی دادگستری استان کرمان، دادستان شهرستان قلعه گنج گفت: در این رابطه پرونده‌ای در شعبه بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب این شهرستان تشکیل شده است و با قید فوریت به پرونده رسیدگی خواهد شد.

چهار قتل در نوروز کرونایی!

شوک: وقوع چهار قتل در نوروز کرونایی سال ۹۹، قاضی ویژه قتل عمد مشهد را در برابر چندین معمای پیچیده جنایی قرارداد.

اجرای اولین جنایت هولناکی که قاضی ویژه قتل عمد را از پای سفره هفت‌سین که در منطقه التیمور مشهد کشته‌اند، از آنجا آغاز شد که اهالی خیابان پنجتن ۸۵ با دیدن جسدی لحاف پیچ در کنار دیوار یک منزل مسکونی، مدام با پلیس ۱۱۰ تماس می‌گرفتند. ترس از یک جسد کرونایی بر اهالی محله، سایه افکنده بود و هیچ کس جرئت نزدیک شدن به جسد را نداشت. دقایقی بعد با حضور نیروهای انتظامی در محل کشف جسد آرامش نسبی به اهالی بازگشت، اما قصه‌ها و حدس‌هایی درباره جسد لحاف پیچ، بر اثر کنجکاوی برخی افراد، دهان‌به‌دهان می‌پیچید. هنگامی که در خیابان پنجتن ۸۵ شد، ندای «یا مغقلب القلوب و الابصار» در فضای شهر طنین انداخته بود و ترس از انتشار ویروس کرونا در محل، افراد کنجکار را به منازل کشاند. ماسک‌ها بر چهره کارآگاهان و عوامل بررسی صحنه جرم نیز حکایت از آن داشت که با دستور مقام قضایی، همه عوامل حاضر در محل کشف جسد، مسائل بهداشتی را با دقت کامل رعایت می‌کنند. با گشودن طباب‌های دور لحاف، جسد تومند و خون‌آلود مردی حدود ۵۰ ساله نمایان شد که دست‌وپاها و گردنش نیز با طناب بسته‌شده بود. لحظاتی بعد با صدور دستورات محرمانه‌ای از سوی قاضی کاظم میرزایی، تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی به سرپرستی سروان جمالی آغاز شد. بررسی‌های مقدماتی نشان می‌داد، عامل یا عاملان جنایت قصد داشتند جسد را در بیابان‌های انتهایی پنجتن ۸۵ رها کنند، اما به دلیل نامعلومی موفق نشده‌اند و در نهایت مرد ۵۰ ساله را در انتهای خیابان انداخته‌اند. قاضی میرزایی که در برابر معمای پیچیده قرار داشت، قدم‌زنان در افکار خود غوطه‌ور بود که ناگهان دستور ورود به «پاتوق‌های سیاه» در همان محل را صادر کرد.

او در توجیه این دستور به کارآگاهان یادآور شد، با توجه به کیودشدن جسد و همچنین هیکل تومند مقتول، چنین به نظر می‌رسد که قتل ساعتی قبل از سال‌تحويل در همان نزدیکی رخ داده است و عاملان جنایت نتوانسته‌اند پیکر سنگین مقتول را به زمین‌های کشاورزی برسانند.

این گونه بود که تلاش کارآگاهان وارد مرحله عملیاتی شد و پس از یک ساعت بررسی میدانی و جست‌وجوهای غیر محسوس و همچنین بازمینی دوربین‌های مداربسته، ردپای زن جوانی را نمایان

کرد که دندان‌های سیاهش جلب توجه می‌کرد. با به دست آمدن تصویر این زن ۲۹ ساله، ماجرای رفت‌وآمد او به یکی از «پاتوق‌های سیاه» در همان محله نیز لو رفت و بدین ترتیب کارآگاهان با مجوز قاضی میرزایی، وارد منزل مسکونی شدند که به گفته همسایگان محل رفت‌وآمد افراد معتاد و ناباب بود، اما هیچ کس در آن خانه حضور نداشت. گرمای بخاری نشان می‌داد که تا ساعتی قبل افرادی در این پاتوق حضورداشته‌اند؛ بنابراین کنکاش‌های کارآگاهان برای یافتن صاحب‌خانه به منطقه سیدی مشهد کشید جایی که وی با برداشتن یک دست لحاف و تشک به آنجا رفته بود تا در شغل جدید خودش مشغول کار شود. هنوز سکوت کرونایی شهر در اولین ساعات تحویل سال ادامه داشت که مرد صاحب‌خانه دستگیر شد. این مرد که در حضور قاضی ویژه قتل عمد مورد بازجویی قرار گرفته بود، ضمن ابراز بی‌اطلاعی از وقوع قتل گفت: همسرم قهر کرده است و من به همراه پسر که «امید» نام دارد در آن منزل زندگی می‌کنم؛ ولی فرزندم اعتیاد دارد و به همین دلیل خانه را به پاتوق معتادان تبدیل کرده است. این مغفلون به جنایت ادامه داد: شب قبل از دایلم خواستم مرا با خودروی خودش به منطقه سیدی ببرد. شغلی در ساختمان نیمه‌ساز پیدا کرده بودم و قرار بود شب‌ها نیز در محل کارم بخوابم به همین دلیل لحاف و تشک را با خودم برداشتم؛ بنا به گزارش خراسان، این مرد همچنین درباره آخرین تماس فرزندش هم گفت: او ساعتی قبل با من تماس گرفت تا ۲۰۰ هزار تومان از مبلغی را که دولت به‌عنوان کمک معیشتی در حسابم ریخته بود به او بدهم، ولی هنوز نتوانسته‌ام این پول را برایش واریز کنم چرا که او اصرار می‌کند که فقط پول را کارت بکنم! ... به دنبال اظهارات این مرد، عملیات کارآگاهی با راهنمایی‌های قاضی میرزایی در حالی وارد مرحله جدیدی شد که کارآگاهان با همکاری صاحب‌کار مرد مذکور، موفق شدند قراری را برای دریافت نمدی مبلغ یادشده با «امید» (جوان تحت تعقیب) بگذارند چرا که او باور نداشت به دلیل شیوع کرونا انتقال وجه از طریق دستگاه‌های خودپرداز مشکل است. ساعتی بعد کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی با نظارت مستقیم سرهنگ محمدرضا غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی و آگاهی) در یک عملیات ضربتی این متهم جوان را نیز به دام انداختند. وی اعتراف کرد: با همدستی زن ۲۹ ساله‌ای به نام سمیرا و مرد جوانی که مدعی است شوهر سمیراست، مرد ۵۰ ساله را به قتل رساندم؛ اما زمانی

دردسر عشق عجولانه پسر جوان به زن مطلقه ۱۰ سال بزرگتر از من بود

خیلی اتفاقی با او آشنا شدم. یک فرزند داشت و از شوهرش طلاق گرفته بود. مدتی در فضای مجازی با هم ارتباط داشتیم. فکر نمی‌کردم این احساس هیجانی به یک علاقه عاطفی و دلبستگی شدید تبدیل شود.

به گزارش رکن، مادرم متوجه تغییر حالت‌هایم شد و چون رویم با او بازتر بود موضوع را برایش تعریف کردم. همان شب جلسه‌ای در خانه ما برگزار شد. وقتی به پدرم گفتم زن موردعلاقه‌ام قبلاً ازدواج کرده و طلاق گرفته است سرش را تکان داد و در جوابم گفت: ممکن است این اتفاق برای هرکسی بیفتد. مهم آن است شما نسبت به هم شناخت درستی پیدا کنید و کارآگاهانه تصمیم بگیرید. با شنیدن این حرف دل‌م تنگ شد و گفتم که این خانم حدود ۱۰ سال از من بزرگ‌تر است. پدرم اطمینانم را در هم کشید و با لحنی تند گفت: پسر جان، چه عجله‌ای داری که تن به چنین ازدواج عجولانه‌ای بدهی؟ حرف‌هایم برایم تلخ بود، به بهانه اعتراض بلند شدم و بی‌توجه به گفته‌های پدرم از اتاق بیرون رفتم. فقط یک لحظه سرم را برگرداندم. اشک در چشمانم حلقه‌زده بود.

خیلی عصبی شده بود و انتظار چنین رفتار بی‌ادبانه‌ای از من نداشت. شاید یک ماه بیشتر یا کمتر سر این مسئله با خانواده‌ام بگومگو و مشاجره داشتم. تصمیم احتمانه‌ای گرفتم و یکه و تنها به خواستگاری رفتم. خانواده زن جوان هم با این خواسته‌ام مخالفت کردند. پدرش می‌گفت چون دخترم از تو بزرگ‌تر است این ازدواج نمی‌تواند خیر و صلاحی داشته باشد. دست از پا درازتر به خانه پدرم برگشتم. می‌خواستم ادای آدم‌های عاشق را در بیاورم و تحت تأثیر یکی از دوستانم چند بار مواد مخدر مصرف کردم. حتی تصمیم داشتم موهایم را بلند و ریختن قیافه به هم پاشیده‌ای برای خودم درست

شوک: وقوع چهار قتل در نوروز کرونایی سال ۹۹، قاضی ویژه قتل عمد مشهد را در برابر چندین معمای پیچیده جنایی قرارداد.

اجرای اولین جنایت هولناکی که قاضی ویژه قتل عمد را از پای سفره هفت‌سین که در منطقه التیمور مشهد کشته‌اند، از آنجا آغاز شد که اهالی خیابان پنجتن ۸۵ با دیدن جسدی لحاف پیچ در کنار دیوار یک منزل مسکونی، مدام با پلیس ۱۱۰ تماس می‌گرفتند. ترس از یک جسد کرونایی بر اهالی محله، سایه افکنده بود و هیچ کس جرئت نزدیک شدن به جسد را نداشت. دقایقی بعد با حضور نیروهای انتظامی در محل کشف جسد آرامش نسبی به اهالی بازگشت، اما قصه‌ها و حدس‌هایی درباره جسد لحاف پیچ، بر اثر کنجکاوی برخی افراد، دهان‌به‌دهان می‌پیچید. هنگامی که در خیابان پنجتن ۸۵ شد، ندای «یا مغقلب القلوب و الابصار» در فضای شهر طنین انداخته بود و ترس از انتشار ویروس کرونا در محل، افراد کنجکار را به منازل کشاند. ماسک‌ها بر چهره کارآگاهان و عوامل بررسی صحنه جرم نیز حکایت از آن داشت که با دستور مقام قضایی، همه عوامل حاضر در محل کشف جسد، مسائل بهداشتی را با دقت کامل رعایت می‌کنند. با گشودن طباب‌های دور لحاف، جسد تومند و خون‌آلود مردی حدود ۵۰ ساله نمایان شد که دست‌وپاها و گردنش نیز با طناب بسته‌شده بود. لحظاتی بعد با صدور دستورات محرمانه‌ای از سوی قاضی کاظم میرزایی، تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی به سرپرستی سروان جمالی آغاز شد. بررسی‌های مقدماتی نشان می‌داد، عامل یا عاملان جنایت قصد داشتند جسد را در بیابان‌های انتهایی پنجتن ۸۵ رها کنند، اما به دلیل نامعلومی موفق نشده‌اند و در نهایت مرد ۵۰ ساله را در انتهای خیابان انداخته‌اند. قاضی میرزایی که در برابر معمای پیچیده قرار داشت، قدم‌زنان در افکار خود غوطه‌ور بود که ناگهان دستور ورود به «پاتوق‌های سیاه» در همان محل را صادر کرد.

او در توجیه این دستور به کارآگاهان یادآور شد، با توجه به کیودشدن جسد و همچنین هیکل تومند مقتول، چنین به نظر می‌رسد که قتل ساعتی قبل از سال‌تحويل در همان نزدیکی رخ داده است و عاملان جنایت نتوانسته‌اند پیکر سنگین مقتول را به زمین‌های کشاورزی برسانند.

این گونه بود که تلاش کارآگاهان وارد مرحله عملیاتی شد و پس از یک ساعت بررسی میدانی و جست‌وجوهای غیر محسوس و همچنین بازمینی دوربین‌های مداربسته، ردپای زن جوانی را نمایان

دردسر عشق عجولانه پسر جوان به زن مطلقه ۱۰ سال بزرگتر از من بود

خیلی اتفاقی با او آشنا شدم. یک فرزند داشت و از شوهرش طلاق گرفته بود. مدتی در فضای مجازی با هم ارتباط داشتیم. فکر نمی‌کردم این احساس هیجانی به یک علاقه عاطفی و دلبستگی شدید تبدیل شود.

به گزارش رکن، مادرم متوجه تغییر حالت‌هایم شد و چون رویم با او بازتر بود موضوع را برایش تعریف کردم. همان شب جلسه‌ای در خانه ما برگزار شد. وقتی به پدرم گفتم زن موردعلاقه‌ام قبلاً ازدواج کرده و طلاق گرفته است سرش را تکان داد و در جوابم گفت: ممکن است این اتفاق برای هرکسی بیفتد. مهم آن است شما نسبت به هم شناخت درستی پیدا کنید و کارآگاهانه تصمیم بگیرید. با شنیدن این حرف دل‌م تنگ شد و گفتم که این خانم حدود ۱۰ سال از من بزرگ‌تر است. پدرم اطمینانم را در هم کشید و با لحنی تند گفت: پسر جان، چه عجله‌ای داری که تن به چنین ازدواج عجولانه‌ای بدهی؟ حرف‌هایم برایم تلخ بود، به بهانه اعتراض بلند شدم و بی‌توجه به گفته‌های پدرم از اتاق بیرون رفتم. فقط یک لحظه سرم را برگرداندم. اشک در چشمانم حلقه‌زده بود.

خیلی عصبی شده بود و انتظار چنین رفتار بی‌ادبانه‌ای از من نداشت. شاید یک ماه بیشتر یا کمتر سر این مسئله با خانواده‌ام بگومگو و مشاجره داشتم. تصمیم احتمانه‌ای گرفتم و یکه و تنها به خواستگاری رفتم. خانواده زن جوان هم با این خواسته‌ام مخالفت کردند. پدرش می‌گفت چون دخترم از تو بزرگ‌تر است این ازدواج نمی‌تواند خیر و صلاحی داشته باشد. دست از پا درازتر به خانه پدرم برگشتم. می‌خواستم ادای آدم‌های عاشق را در بیاورم و تحت تأثیر یکی از دوستانم چند بار مواد مخدر مصرف کردم. حتی تصمیم داشتم موهایم را بلند و ریختن قیافه به هم پاشیده‌ای برای خودم درست